



بررسی ماهیت و مفهوم تهدید و خطر جانی در فقه و حقوق ایران

عبدالکریم گل‌گون^۱

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.

چکیده

از ثمربخش‌ترین مصادر سامان مصادر جرم‌شناسی، «جرم‌شناسی و ماهیت تهدید و خطر جانی» است. افزون بر این سیاق سلوک با این موقع، از مقاله‌ای خطیر حقوق کیفری و تأمینات ژرف از آن برانگیزاننده شاکله حقوقی حقوقدانان از تحکیم شایسته فکری است. برهان پاسداری از امنیت عرصه رسالت‌های حکومت اسلامی، مسبب تحریض قانون‌گذار ایران برای وصف این جرم، از این جهت که در قوانین پیش از انقلاب عرضه‌ای جامع و مبرهن از جرم تهدید و خطر جانی برای بازشناخته‌شدن وجود ندارد و این مقوله پس از انقلاب اسلامی ایجاد شد. با وجود اینکه مفهوم تهدید از مفاهیم بحث‌برانگیز است، ولی در ماهیت آن‌ها میان فقها و حقوقدانان اختلاف چندانی مشاهده نمی‌شود. در ضمن باید بیان کرد که این مقاله، مؤید بر تأسیسی بودن نظرات و بحثی مستوعب در این زمینه نیست، بلکه مقصود در آن ارائه گزارشی از مفهوم تهدید و خطر جانی و جرم‌شناسی آن از منظر فقه و حقوق ایران، به‌منظور استکشاف راهکاری مدرن از طریق نظرات ارائه‌شده، یا پیشنهادهای قابل‌پیگیری، می‌باشد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۳-۴۴

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید:

تلفن:

ایمیل: ak.golgoun@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

تهدید، ارباب، ترس، فقه امامیه، فقه عامه.



مقدمه

موضوع تهدید، مسأله‌ای نقش‌پرداز است که اهمیت آن بر هیچ‌کس پوشیده نیست و ایجاد ناامنی در جامعه، زندگی را بغرنج می‌سازد. این ناامنی با هر عنوانی مانند، جانی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... موجب رواج جرم تهدید شده‌اند. افزون بر اینکه یکی از مسائل دارای کاربرد فراوان در فقه و حقوق، مفهوم و جرم‌شناسی «تهدید و خطر جانی» است که در حوزه فقه و حقوق کیفری دارای مباحث بحث‌برانگیز متعددی است. از این رو برای پیشگیری از اشتباه در تشخیص مبادی تصوری، نیازمند تحقیقاتی می‌باشد که بررسی ابعاد فقهی حقوقی خلأ موجود را بر طرف سازد.

سیر مطالب نوشتار پیش رو به این نحو است که در ابتدای پژوهش به تعریف فقهی و حقوقی تهدید پرداخته و سپس عناصر و شرایط تحقق آن از منظر فقها و حقوقدانان از تهدید را مدنظر قرار داده و با استمداد از تراث فقهی خود، انتقادات اصلی وارد بر آن را مطرح، بررسی و در حد امکان و بضاعت پاسخ داده و در نهایت به مذاقه جرم‌شناسی آن پرداخته خواهد شد. از این رو این تحقیق، توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل منابع موجود و با امان نظر از فقها و حقوقدانان، موضوع را تبیین و تشریح کرده و ابزار گردآوری اطلاعات از طریق فیش‌برداری، بانک‌های اطلاعاتی، شبکه‌های کامپیوتری و استفاده از نرم‌افزارهای تخصصی است.

مطالب این پژوهش دائرمدار تعیین ماهیت تهدید و خطر جانی و مجازات تهدیدکننده می‌باشد. در تنقیح موضوع مفهوم تهدید و خطر جانی سخن بسیار رفته است، آیا موضوع آن فقط کسی است که تهدید کرده باشد، یا هرکس به هر نحو حتی مثلاً به صورت بغی، محارب، اکراه و اجبار کرده باشد، موضوع آن است؟ یا به طور مطلق هر تهدیدی، موضوع این مجازات است؟ بدواً برای مشخص شدن حد و مجازات محارب، ناگزیر باید با مفهوم آن آشنا شویم.

۱- مفهوم تهدید از منظر فقه و حقوق ایران

نگارنده درصدد است برای تشخیص مفهوم تهدید و خطر جانی مقرر در فقه و حقوق ایران، تعریف آن را در لغت، فقه و حقوق ایران مشخص نماید.

۱-۱- تعریف تهدید

۱-۱-۱- تعریف تهدید در لغت

«تهدید» از ریشه «هدده» است و معنای «ترساندن»، چنانکه در مفردات راغب آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۱۸۳/۸). در فرهنگ فارسی تهدید مرادف با «ترساندن» است (دهخدا، ۱۳۸۵: ذیل کلمه تهدید). با نگاهی به تعریف‌ها و عناوین مذکور روشن می‌شود که تهدید به معنای ترسانیدن کسی به وعده انجام دادن کاری علیه او یا متعلقاتش (زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۶۷/۴).

۱-۱-۲- تعریف تهدید از منظر فقهای امامیه

محقق حلی در تعریف تهدید گفته است: «التوعّد و التهدید فانهما یصدران لمنع الانسان من فعل معین» (محقق حلی، ۱۹۸۳: ۱۸۰/۴)، یعنی «تهدید موجب منع انسان از کار معین می‌شود». اسلام و به تبع آن فقها با تحریم تهدید و ارباب، زمینه تضمین امنیت را فراهم آورده است و حتی به مظلوم اجازه داده است که اگر راهی برای احقاق حق خود نیابد، از خشونت استفاده کند. از دیدگاه اسلام، خشونت‌آمیز بودن عمل، معیار تهدید ممنوع و ارباب نامشروع نیست، زیرا ممکن است اعمال خشونت‌آمیز، جنبه مجازات و تنبیه یا دادخواهی داشته و یا نوعی دفاع مشروع باشد. در فقه سیاسی «سلاح کشیدن» که معمولاً یکی از اعمال تهدیدآمیز شمرده می‌شود، به عنوان جرمی که مرتکب آن مستحق اعدام می‌باشد، تلقی شده و با آن قاطعانه برخورد شده است: «أما جزا الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فساداً ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض ذلک لهم خزی فی الدنیا و لهم فی الاخره عذاب عظیم» (مائده/۳۳). در این آیه که مجازات شدید اعدام و تبعید برای محارب مشخص شده، موضوع و هدف ارباب و تهدید به صراحت ذکر شده و به جز کیفر دنیوی، وعده مجازات دردناک‌تر اخروی نیز داده شده است. فقها خون کسی را که جان دیگری را تهدید کرده، مباح دانسته‌اند و تعرض به امنیت خانه همسایه را حتی اگر با نگاه کردن باشد، مجوز دفاع تا سر حد آسیب رساندن و ارتکاب قتل شمرده‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۴۸۷/۱).

در اسلام مسؤولیت مقابله با تهدید و ارباب یک وظیفه همگانی (واجب کفایی) است که باید همه یک دست در برابر

عوامل تهدید و ارباب بایستند و از مظلوم دفاع کنند و خصم ظالم باشند.

۱-۳-۱-۱- تعریف تهدید از دیدگاه حقوقدانان

تعریف تهدید از منظر حقوقدانان از تعمیمی همانند فقهای شیعه برخوردار است. از نظر حقوقی عبارت است از مجموعه اقدامات کتبی یا شفاهی که شخص به عمل می‌آورد تا دیگری را به خلاف میل خود وادار به ارتکاب جرم کند، به نحوی که اگر از آن امتناع ورزد، احتمال خطر جانی و مالی یا افشای اسرار یا نسبت دادن اموری که موجب هتک شرف می‌شود، برای شخص تهدید شده وجود دارد (شامبیاتی، ۱۳۹۶: ۱۰۴/۱). همچنین تهدید به معنای ترساندن و یا بیان رفتار غیرقانونی یا نامشروعی است که مرتکب قصد انجام آن را دارد. برخی دیگر از نویسندگان حقوقی معتقدند که بیان جمالتی در هنگام عصبانیت که مبتنی بر وعده انجام عمل ناشایست نسبت به مال، آبرو یا جان فرد دیگری باشد، در اصطلاح حقوقی، تهدید نامیده می‌شود. از این رو تهدید ممکن است انجام عمل، بیان حرف یا نشان دادن حالتی به طرف مقابل باشد (اردبیلی، ۱۴۰۱: ۲/۴۴).

۲- نحوه تحقق تهدید از منظر فقه و حقوق ایران

تحقق تهدید در فقه امامیه و حقوق ایران به امور ذیل بستگی دارد:

۱-۲- باید عمل انجام شده عرفاً تهدید محسوب شود

از نظر فقهای امامیه برای صدق تهدید، اینکه عمل انجام گرفته عرفاً تهدید محسوب شود، شرط است و این تهدید باید عرفی باشد و عرفاً تهدید بر آن صدق کند، نه اینکه مانند مزاح باشد (بهجت فومنی، ۱۳۸۲: ۴/۴۷۶).

۲-۲- قصد الاخافه

یکی دیگر از شرایط تحقق تهدید در فقه امامیه قصد ترساندن است. شهید ثانی بیان می‌دارد که: «بر ایجاد ترس در تحقق تهدید اتفاق نظر وجود دارد و در صورت عدم قصد، تهدید صدق نمی‌کند» (شهید ثانی، ۱۳۸۱: ۵/۱۵). صاحب جواهر در این باره می‌فرماید: «اگر قصد خوف و ترساندن موجود نباشد، تهدید محقق نمی‌شود» (نجفی، ۱۴۰۰: ۵۶۶/۴۱). مؤید این نظرات فقهای شیعه، روایت موسی جعفر (ع)، می‌فرمایند: «رجل شهّر الی صاحبه بالسکین»، «... شخصی چاقویی برای دوستش درآورد؛

امام فرمودند: اگر برای بازی است ایراد ندارد» (حر عاملی، ۱۳۹۱: ۳۱۵/۲۸).

۲-۳- حصول خوف در دیگران

از دیگر موارد تحقق تهدید حصول خوف در دیگران است. اما پرسشی که در اینجا مطرح است، اینکه اگر شخصی سلاحی تجرید کرد، ولی این عمل موجب خوف خفیف شد؛ آیا مصداق تهدید است؟ فقها در این ارتباط دو دیدگاه دارند:

۱- قصد ترساندن برای ترتب احکام تهدید بر شخص کفایت می‌کند و این نظر در ارتباط با محاربه نیز وجود دارد. این قول را علامه در قواعد، شهید اول در لمعه، شهید ثانی در حاشیه ارشاد و ... پذیرفته‌اند (محقق حلی، ۱۴۱۸: ۲۲۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۵۶۸/۳؛ علامه حلی، ۱۴۲۰: ۳۸۰/۵؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷: ۵۴۳/۴؛ شهید اول، ۱۴۱۱: ۲۶۳؛ شهید اول، ۱۳۷۳: ۲۷۱/۴؛ شهید ثانی، ۱۳۹۸: ۲۹۰/۹؛ شهید ثانی، ۱۳۸۱: ۷/۱۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۱: ۹۹/۲؛ طباطبائی، ۱۴۱۸: ۱۴۹/۱۶).

۲- حصول ترس برای ترتب احکام تهدید بر شخص کفایت می‌کند، نه صرف قصد ترساندن. این قول را فاضل اصفهانی، امام خمینی و ... پذیرفته‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۴۹۲/۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۰: ۱۸۶/۲؛ مقدس اردبیلی، ۱۳۷۹: ۲۸۸/۱۳؛ ۲۸۷: فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۴۳۱/۲).

حصول خوف در دیگران نزد فقهای اهل عامه در تصنیفات آنها ظهور پیدا می‌کند. برای مثال؛ شافعی شرط شوکت و قدرت در شخص را شرط تهدید می‌داند (ابن رشد، ۱۴۳۱: ۴۵۵/۲). ابن رشد القرطبی در این مورد با شافعی هم‌رأی بوده و معتقد است: «و إنما معنی الشوکه عنده قوه المغالبه». منظور از «الشوکت»، قدرت درگیر شدن است و تعداد افراد در آن تأثیری ندارد (زحیلی، ۱۳۸۵: ۱۳۰/۶-۱۲۹؛ الحصری، ۱۴۱۳: ۶۲۸-۶۲۷). بنابراین با ضعف قاصد اخافه، از اخافه (نسبت به آنکه می‌خواهد ترساند او را) صدق «تهدید» قابل مناقشه است، و اظهار عدم صدق است. در حقوق ایران نیز قدرت تهدیدکننده در عملی کردن تهدید شرط است.

۳- عمدی باشد: فقها در انتصاب و تعلق احکام تهدید بر افراد، قصد عمد در تحقق تهدید را شرط می‌دانند، بر این اساس تهدید غیرعمدی وجود ندارد (نجفی، ۱۴۰۰: ۱۴۹/۳۰).

۳- عناصر تهدید در فقه و حقوق ایران

۳-۱- عنصر مادی

منظور مواردی است که به علت وجود ادله اثبات دعوا، وقوع عمل مجرمانه از ناحیه متهم اثبات شده و در نتیجه، برای حاکم تردید حاصل نمی‌شود که آیا این عمل منتسب به متهم می‌باشد یا خیر؟ از این رو در ماده ۶۶۹ قانون گذار عبارت تهدید را به کار برده، لیکن از قید «به هر نحو» که در ابتدای امر قرار داده، دایره وسیعی از تهدید را ترسیم کرده و شامل تهدید شفاهی، کتبی، ایما و اشاره نیز می‌شود، مثلاً اگر شخص دیگری را به وسیله نگارش خطوطی که حاکی از تهدید است، بترساند، جرم محقق شده یا آنکه با اشارات چشم و ابرو و غیره اعمالی انجام دهد، که تهدیدآمیز است؛ ولی در هر صورت عرف در تشخیص آن نقش مؤثری ایفا می‌کند.

نکته دیگر آنکه تهدید باید نسبت به شخص مؤثر باشد و تهدیدکننده بتواند آن را به موقع اجرا بگذارد و تهدیدشونده هم از این عمل دچار تشویش و اضطراب شود. در صورتی که شخص مدعی زوال اراده در اثر تهدید دیگری و نهایتاً انجام عمل حقوقی یا بزه‌ی تحت تأثیر تهدید شد، قضاوت عرف در صحت یا سقم ادعای وی نقش اساسی ایفا می‌کند. البته لازم است زمان و مکان نیز در تشخیص عرفی تهدید لحاظ شود. در ماده ۶۶۹ تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی یا افشای سرّی نسبت به خود یا بستگان از موضوعات تهدید تلقی شده است. شایان ذکر است که موارد مذکور افاده حصر می‌کند. در مورد قتل توضیح خاصی ندارد و همان تهدید به سلب حیات عمدی است. ضررهای نفسی در مرتبه بعد از قتل قرار دارد و شامل هرگونه آسیب به سلامتی و نفس شخص می‌شود. در این مورد مثلاً شخص دیگری را تهدید به کور کردن چشم می‌نماید یا به شکستن دندان که این موارد مشمول تهدید به ضررهای نفسی است. در مورد ضرر شرفی هر موردی که بتوان به شرافت، آبرو، عرض و ناموس شخصی یا بستگانش مربوط نمود، تهدید به آن، تهدید به ضرر شرفی است (حبیب‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۲).

۳-۲- عنصر معنوی

مقصود از عنصر معنوی، قصد مجرمانه داشتن به منظور تحقق عنصر معنوی است، یعنی قصد مجرمانه داشتن، نخست باید احراز شود که مرتکب در انجام عمل، قصد و اراده داشته است،

دوماً احراز شود که مرتکب از ممنوعیت عمل ارتكابی آگاهی داشته است. در صورتی که در اصل وجود قصد و اراده از طرف متهم در انجام عمل ارتكابی تردید وجود داشته باشد، مجازات ساقط می‌شود (گلدوزیان، ۱۳۸۹: ۲۲۱)، زیرا کیفر مخصوص اشخاص ملتفت و متوجه است و کسانی که بدون توجه و از روی غفلت عملی را که در واقع ممنوع است انجام می‌دهند، قابل کیفر نیستند؛ اما اگر اصل قصد و اراده درباره متهم محقق بوده، ولی توجه نداشته که عمل مزبور جرم است، در واقع، جهل به قانون و حکم مطرح می‌شود که خود بر دو قسم است: جهل به اصل حکم یا جهل به موضوع حکم.

از این رو عنصر معنوی این جرم، داشتن علم و عمد نسبت به اقدامات انجام گرفته است. بنابر این؛ تهدید از جرایم عمدی و جهت تحقق آن صرفاً سوءنیت عام لازم است که قصد مجرمانه شخص در ایجاد تشویش و اضطراب در مجنی‌علیه است. اینکه واقعاً مرتکب قصد انجام دادن موضوع تهدید را دارد یا خیر و به عبارتی قصد نتیجه که لازمه وقوع جرم مندرج در ماده ۶۶۸ ق.م.ا است، در تحقق جرم موضوع ماده ۶۶۹ تأثیری ندارد، صرف ایجاد نگرانی کافی است، بدون آنکه مقید به انجام مورد تهدید توسط تهدیدکننده باشد. در واقع این ماده برخلاف ماده ۶۶۸ که در آن مجرم با تهدید و اکراه مجنی‌علیه وی را ملزم به دادن نوشته یا سند یا ... می‌کرد و تحقق جرم مشروط بر آن بود که موارد مندرج در ماده از مجنی‌علیه با جبر، تهدید، یا اجبار اخذ شود، صرف اینکه شخص مجنی‌علیه را تهدید و قصد تشویش و نگران کردن وی را داشته باشد، جرم ماده ۶۶۹ تحقق یافته است. چنانکه ماده نیز اشعار می‌دارد: «... اعم از اینکه به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد...». البته اگر مطالبه امور مذکور را هم نمود، مجازات وی تشدید می‌شود. حال اگر تهدید منجر به نتیجه‌ای هم شد، مثلاً شخصی دیگری را به احراق منزلش تهدید کرد و به تهدید خود نیز عمل کرد، مجازات فعل اخیر نیز با رعایت شرایط قانونی در مورد وی اعمال می‌گردد. انگیزه مرتکب در وقوع جرم موضوع ماده ۶۶۹ بی‌تأثیر است، مثلاً شخص دیگری را به انگیزه شرافتمندانه یا نجات فرد دیگر یا هر انگیزه انسان‌دوستانه تهدید به جرم می‌کند و یا به انگیزه مزاح و تفریح چنین اقدامی انجام دهد. البته قاضی دادگاه می‌تواند در صورت وجود انگیزه شرافتمندانه

این حقیقت صراحت ندارد، اما به کمک اتفاق فتاوا و سیاق ادله به‌خوبی استفاده می‌شود که حکم اکراه، مرکب از دو جزء است: «تهدید» و «تأثیر تهدید» و به‌تنهایی موضوع حکم و مجازات نیست (نجفی، ۱۳۶۷: ۴۲؛ امامی کاشانی، ۱۳۷۲: ۹۲).

با این توصیف، صحیح آن است که گفته شود تهدید، عنصر اکراه و توجیهی برای تحقق مجازات است که در ادامه به تشریح آن خواهیم پرداخت. به این صورت که اگر گفته شود، چرا مجازات به این سنگینی باید در مورد تهدید اجرا شود، گفته می‌شود چون اکراه‌کننده است. به تعبیر برخی اساتید، «تهدید، خود موضوع حکم نیست، بلکه به اصطلاح علماء و حقوقدانان معقول، تهدید واسطه و علت در ثبوت مجازات مکره است» (مرعشی، ۱۳۷۰: ۴۴). بنابراین عنوان تهدید، یک عنوان مستقل از جرم اکراه می‌باشد و در مقام بیان، دو عنوان جداگانه دارد که یکی اعم از دیگری است، زیرا اکراه در سایر مصادیق بحث تهدید مطرح نمی‌شود و خود تهدید مجازاتی غیر از اکراه دارد. در واقع می‌خواهیم تبیین کنیم که تهدید یکی از عناصر اکراه است و از طرفی نوعی تعلیل برای شدت گناه و جرم مکره باشد. بنابراین تهدید مصادیق متعددی دارد که برخی از آن‌ها عنوان معینی مانند اکراه هم دارند (شهید ثانی، ۱۳۸۱: ۵۵/۱۰). ماده «۲۴۰» قانون مدنی می‌گوید: «تهدید طرف معامله در نفس یا جان و آبروی اقوام نزدیک او از قبیل زوج و زوجه و ابناء و اولاد موجب اکراه است...». تمامی نسخ چایی قانون مدنی که ملاحظه گردید، عبارت (نفس یا جان یا آبرو) نوشته شده است.

۴-۲- شرایط ثبوت تهدید در اکراه

برای تحقق تهدید در اکراه سه شرط لازم است:

۱- اکراه و تهدید صورت گرفته در آن به‌وسیله اعمالی باشد که مؤثر در هر شخص با شعوری باشد (ماده ۲۰۲ قانون مدنی). منظور از شخص با شعور، کسی است که مبتلا به ضعف اعصاب دماغی نباشد، مانند؛ ابله، زیرا عملی که در اشخاص با شعور تأثیر نمی‌کند. در شخص عادی معمولی موجب اکراه نمی‌شود و اعمال کسی که دارای ضعف اعصاب دماغی است، از نظر عدم اهلیت باطل می‌باشد. درجه شعور اشخاص به اعتبار درجه ترقی افکار محیطی که در آن تربیت شده‌اند متفاوت است.

در محدوده بند ۳ ماده ۲۲ ق.م.ا مبادرت به تخفیف مجازات مرتکب کند (گلدوزیان، ۱۳۸۹: ۲۲۱).

۳-۳- عنصر قانونی

از عناصر قانونی جرم تهدید ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات است که در ادامه مفصل توضیحاتی بیان خواهد شد. مجازات جرم تهدید در ماده ۶۶۸ حبس از سه‌ماه تا دو سال و تا ۷۴ ضربه شلاق است. مجازات این جرم در درجه ۶ قرار می‌گیرد و امکان صدور قرار تعلیق اجرای حکم و تعویق صدور حکم در این درجه وجود دارد. تهدید موضوع ماده ۶۶۹ نیز مستوجب مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا دو ماه تا دو سال است. مجازات این جرم نیز در درجه ۶ قرار می‌گیرد. طبق بند یک ماده ۴۳ ق.م.ا، تهدید یکی از مصادیق معاونت در جرم یادآوری شده، البته باید متذکر شد، تهدیدی که در قالب اکراه باشد، از موارد رفع مسؤلیت کیفری است که در ماده ۵۴ ق.م.ا آورده شده است (منصورآبادی، ۱۳۷۵: ۵۸).

عناوین مجرمانه تهدید و خطر جانی مشتمل بر برخی ابهامات از جهت تعدد یا وحدت موضوع می‌باشد، از این‌رو محور فرعی این مقاله، یافتن پاسخ این پرسش است که آیا تهدید و خطر جانی و همچنین اکراه، عنوان مستقل از هم هستند، یا اینکه به نحو ترادف بر موضوع واحدی صادق هستند؟

۴- پیوستگی تهدید با اکراه

ثبوت یا یگانگی دو موضوع مجادله آمیز تهدید و اکراه است. عده‌ای از فقها هیچ تفاوتی میان تهدید و اکراه قائل نیستند و در مقابل، عده‌ای از فقها و مفسران می‌گویند مفهوم تهدید؛ عام‌تر از اکراه است، به‌گونه‌ای که اکراه فقط یکی از موارد تهدید است. در زیر به رابطه و ضابطه تهدید با اکراه اشاره خواهیم کرد:

۴-۱- رابطه و ضابطه تهدید و اکراه

حقیقت آن است که قاطبه مفسران، فقها و حقوقدانان معتقدند که تهدید و اکراه، دو عنوان جداگانه هستند و اکراه قسیم تهدید می‌باشد؛ زیرا «تهدید» و «اکراه» معطوف بر یکدیگرند و مجموع این دو برای بیان یک حقیقت است (امامی کاشانی، ۱۳۷۲: ۹۰؛ فاضل لنگرانی، ۱۴۲۲: ۶۳۸). علاوه بر آن، فقها و حقوقدانان، اتفاق نظر دارند که موضوع حکم اکراه، «خاص» است، نه مجرد «تهدید» و مطلق «تهدید». نصوص گرچه بر

۲- اکره در شخصی که مورد تهدید قرار گرفته، تأثیر کند: بنابراین هرگاه کسی که تهدید می‌شود بداند که تهدیدکننده نمی‌تواند عملی را که به وسیله آن تهدید نموده انجام دهد، یا خود قادر بر اینکه بدون مشقت از عمل او جلوگیری نماید و معامله را واقع نسازد، مکره شناخته نمی‌شود (ماده ۲۰۵ قانون مدنی). بدین جهت هرگاه یکی از متعاملین مدعی عدم نفوذ معامله به استناد اکره شود، طرف او برای اثبات صحت معامله می‌تواند ثابت کند که عمل، اگرچه تهدیدآمیز بوده است و عموماً در هر شخص با شعوری مؤثر واقع می‌شود، ولی در تعامل با قوت روحی و تجربیات بسیاری که از محیط متشنج و پُراشوب دارد، هیچ‌گونه تأثیری نکرده و در اثر اکره معامله انجام نشده، بلکه رضایت کامل داشته است. ذیل ماده «۲۰۲» قانون مدنی می‌گوید: «... در مورد اعمال اکره‌آمیز، سن و شخصیت و اخلاق مرد یا زن بودن شخص باید در نظر گرفته شود، تا دادرس بتواند درجه تأثیر عمل اکره‌آمیز را در معامله‌کننده تشخیص دهد»، هرگاه تهدید به وسیله اعمالی باشد که عادتاً قابل تحمل است همین‌گونه است (مفهوم مخالف قسمتی از ماده ۲۰۲ قانون مدنی). چنانکه کسی برای تهدید همسایه تا او را وادار به فروش خانه خود بنماید، بگوید: «هرگاه خانه‌ات را به من فروشی تمامی برف‌های پشت بام خود را بر بام اتاقت می‌ریزم یا آب حوض و آب انبار به منزلت نمی‌دهم، زیرا همسایه می‌تواند آن برف‌ها را برود و از طریق دیگری تهیه کند (امامی، ۱۳۷۵: ۱۹۲/۱).

۳- تهدید باید به وسیله امر غیرقانونی باشد؛ بنابراین هرگاه کسی به وسیله اعمالی که قانون اجازه داده، دیگری را وادار به انجام معامله کند، شخص مزبور مکره شناخته نمی‌شود، مثلاً چنانکه طلبکار به بدهکار خود بگوید: هرگاه وجه سند مرا نپردازی، اجراییه صادر می‌کنم و خودت یا اموات را بازداشت خواهم کرد و اگر فعلاً نمی‌توانی آن را بدهی، خانه‌ات را در رهن من بگذار، رهن مزبور صحیح می‌باشد (امامی، ۱۳۷۵: ۱۹۳/۱).

۵- مذاقه جرم‌شناسی تهدید از منظر فقه و حقوق ایران

۱-۱- بررسی مجازات تهدید در اکره

اکره در قالب تهدید از موارد رفع مسؤولیت کیفری و معافیت از مجازات است. طبق ماده ۲۹ قانون مجازات اسلامی «در جرایم تعزیری هرگاه کسی بر اثر اجبار عادتاً غیرقابل تحمل مرتکب جرمی

شود، مجازات نخواهد شد. در این مورد اکره‌کننده به مجازات آن جرم محکوم خواهد شد» (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱: ۲/۲۵۰). افزون بر این، ماده ۵۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰، ضمن نسخ ماده ۲۹ سال ۱۳۶۱ مقرر می‌دارد: «در جرایم موضوع مجازات‌های تعزیری یا بازدارنده، هرگاه کسی بر اثر اجبار و اکره که عادتاً قابل تحمل نباشد، مرتکب جرمی شود، مجازات نخواهد داشت. در این مورد، اجبارکننده به مجازات فاعل جرم، با توجه به شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم، تأدیب از وعظ و توبیخ و تهدید و درجات تعزیر محکوم می‌شود.» در این حالت، سبب عفو مباشر می‌شود و تهدیدکننده مسؤولیت دارد. شایان ذکر است که اکره در قتل، وضع استثنایی دارد. می‌توان گفت که در اکره موضوع موارد ۲۹ و ۴۵ قوانین سابق و لاحق مرتکب‌شونده، فاقد رضا، ولی قصد بوده و درحالی‌که در تهدید موضوع مواد ۲۱ و ۴۳ همان قوانین، در لحظه ارتکاب دارای قصد و رضا بوده است (کلدوزیان، ۱۳۹۸: ۲/۲۵۰).

نتیجه اینکه؛ اکره در فقه با شروطی چون وجود مکره و واقع شدن تهدید و مؤثر و مفید بودن تهدید به حال مکره و ... واقع می‌شود؛ و در حقوق نیز با شروطی، مانند تهدید مؤثر و غیرقابل تحمل در جان و مال و آبروی مکره واقع می‌شود. همچنین اکره در فقه به حق و ناحق و در حقوق نیز به اعتبارهای مختلف تقسیم می‌شود. اکره موجب رفع تکلیف و نیز رفع حکم وضعی می‌گردد و در معاملات سبب بطلان یا غیر نافذ شدن عقد می‌شود که فقها در این زمینه اختلاف نظر دارند.

۵-۲- واری مجازات تهدید به عنوان معاونت در جرم

تهدید از نظر حقوقی که از مصادیق معاونت در جرم است که به‌طور مستقل مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است. زیرا اگر شخص دیگری را از طریق تهدید مصمم به ارتکاب جرم کند، به‌عنوان معاون جرم، مستحق مجازات است؛ بر این اساس ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی چنین مقرر می‌دارد: «اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند: ۱- هرکس دیگری را تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع به ارتکاب جرم کند و یا به‌وسیله دسیسه و فریب و نیرنگ موجب وقوع جرم شود؛ ۲- هرکس با علم و عمد وسایل ارتکاب جرم را تهیه کند و یا از طریق ارتکاب آن را با علم به قصد مرتکب ارائه دهد.»

مصادیقی را که ماده مزبور برشمرده است، می‌توان تهدید را در آن بسته‌بندی کرد. ازاین‌رو از یک منظر کلی می‌توان معاونت

او اعمال خواهد کرد. مجازات جرم تهدید در ماده ۶۶۸ قانون مجازات اسلامی در بخش تعزیرات: «هرکس با جبر یا با اکراه و تهدید، دیگری را ملزم به دادن نوشته یا سند یا امضاء و یا مهر کند و یا سند و نوشته‌ای که متعلق به او یا سپرده به او می‌باشد را از وی بگیرد، به حبس از سه ماه تا دو سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.» همچنین ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی مجازات تهدید را به نوعی دیگر مشخص کرده است. طبق این ماده «هر گاه کسی را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشای سرّی نسبت به خود یا بستگان او کند، اعم از اینکه به این واسطه تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد، به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه یا زندان از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.» طبق این ماده، مجازات جرم تهدید یا از ۱ تا ۷۴ ضربه شلاق و یا دو ماه تا دو سال حبس خواهد بود. واژه «یا» در این ماده، یعنی یکی از این دو مجازات اعمال خواهد شد که قاضی با توجه به اوضاع و احوال و شخصیت مجرم، یکی را در نظر خواهد گرفت.

۶- تطبیق تهدید در ماده ۴۳ و ۶۶۸ یا ۶۶۹

پرسشی که در اینجا قابل طرح می‌باشد این است که آیا تهدید در ماده ۴۳ ق.م.ا.م شامل تهدید ذکر شده در مواد ۶۶۸ یا ۶۶۹ ق.م.ا.م می‌شود؟ برای مقایسه مواد مورد بحث، بهتر است متن مواد مذکور را آورده و سپس طرح بحث نمائیم.

ماده ۴۳ ق.م.ا.م: «اشخاص زیر معاون جرم محسوب و با توجه به شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و تأدیب از وعظ و تهدید و درجات تعزیر، تعزیر می‌شوند. هرکس دیگری را تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع به ارتکاب جرم کند و یا به وسیله دسیسه و فریب و نیرنگ موجب وقوع جرم شود...»

ماده ۶۶۸ ق.م.ا.م: «هرکس با جبر و قهر یا با اکراه و تهدید دیگری را ملزم به دادن نوشته یا سند یا امضاء یا مهر کند و یا سند یا نوشته‌ای که متعلق به او یا سپرده به او می‌باشد را از وی بگیرد، به حبس از سه ماه تا دو سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد...»

ماده ۶۶۹ ق.م.ا.م: «هرگاه کسی، دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و به افشای سرّی نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از اینکه این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعل را نموده یا ننموده باشد، به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه یا زندان از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.»

در جرم را به دو نوع مادی و معنوی قابل تقسیم دانست. پس تهدید، تطمیع، دسیسه، نیرنگ و ارائه طرق ارتکاب جرم از مصادیق معاونت معنوی هستند و تهیه و واگذاری وسایل و همین‌طور تسهیل وقوع جرم قبل یا مقارن با عمل از مصادیق معاونت مادی محسوب می‌شوند. بنابراین تهدید، ترساندن و بیم دادن است. یعنی شخص از طریق ایجاد ترس جانی یا مالی یا حیثیتی برای دیگری، او را به ارتکاب جرم وادار کند.

۵-۳- بررسی تهدید به عنوان جرم مستقل

تهدید در چند مورد به عنوان جرم مستقل مورد حکم قانون گذار قرار گرفته است و چنانکه بیان شد، تهدید یعنی اینکه شخصی یک نفر دیگر را به اینکه نسبت به او یک عمل بد و نامشروع انجام دهد، بترساند. این عمل بد و نامشروع می‌تواند ترساندن از قتل، آسیب جسمی، بردن آبرو و مواردی از این دست است که موجب می‌شود فرد بترسد و دچار رعب و وحشت شود. در موارد مختلفی از قانون مجازات اسلامی مصادیقی از تهدید ذکر شده که به عنوان جرم مستقل ملاحظه گردیده است. این موارد تهدید و ترساندن به قرار ذیل هستند:

۱- کسانی که با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگران را تهدید می‌کنند (ماده ۶۱۷ ق.م.ا.م).

۲- کسانی که با تهدید دیگران را ملزم به دادن نوشته یا سند یا مهر و امضا می‌کنند (ماده ۶۶۸ ق.م.ا.م).

۳- کسانی که دیگران را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی یا افشای سرّی نسبت به خود یا دیگران می‌کنند (بند ۳ ماده ۲۷ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی).

۴- تهدید کسانی که هواپیمای آماده برای پرواز یا درحال پرواز را در اختیار می‌گیرند و با تهدید در کار فرودگاه یا مأموران مسؤول ایمنی پرواز و هدایت اخلاص می‌کند (ماده ۵۱۱ ق.م.ا.م).

۵- آدم‌ربایی به وسیله تهدید (ماده ۶۲۱ ق.م.ا.م).

افزون بر این، قانون گذار نسبت به این جرم و تأثیر آن بر جامعه، واکنش نشان داده است و برای مرتکب آن، مجازات در نظر گرفته است. بنابراین در صورتی که تمام شرایط تحقق جرم تهدید به وقوع بپیوندد و جرم تهدید شکل بگیرد، به گونه‌ای که قابلیت اثبات داشته باشد، قانون گذار مجازات را به

باشد، شخص تهدیدکننده به دو مجازات محکوم نمی‌شود و فقط مجازات معاونت را خواهد داشت. ولی اگر تهدید، صرف تهدید باشد، و از مصادیق ماده ۶۶۹ باشد، یک جرم مستقلی شناخته شده و مجازات مذکور در آن ماده را خواهد داشت.

بعضی از اساتید دیگر بر این عقیده‌اند که: قصد به انجام یک عمل مجرمانه تجزیه‌پذیر نیست. یک شخص در آن واحد نمی‌تواند دو قصد داشته باشد. فقط یک قصد می‌تواند داشته باشد. به هر حال وقتی یک معاونت در جرمی انجام می‌گیرد، قصد در آن مطرح است. ولی نمی‌شود بگوئیم قصد از تهدید به قتل برای سرقت در آن واحد هم ترساندن شخص تهدید شده است و هم معاونت در سرقت انجام گرفته است. اگر تهدید برای سرقت بوده است، قصد از آن متوجه سرقت بوده و مجازات معاونت را دارد. اگر تهدید فقط برای ترسانیدن بوده، قصد آن متوجه جرم خاص تهدید بوده است و مجازات ماده ۶۶۹ ق.م.ا را خواهد داشت. در کل مجازات به قصد شخص تهدیدکننده بستگی دارد. اگر بتوان فرض کرد که تهدیدی انجام گرفته و هم مشمول ماده ۴۳ ق.م.ا (معاونت) و هم مشمول ماده ۶۶۹ ق.م.ا باشد، تعدد معنوی در جرم وجود خواهد داشت که مجازات اشد را اعمال می‌کنیم.

بعضی از اساتید دیگر معتقدند که: ماده ۴۳ ق.م.ا در واقع معاون را تعریف کرده است و مجازات معاون را تعیین نکرده است. ولی ماده ۶۶۹ ق.م.ا در قسمت حقوق جزای اختصاصی قانون مجازات اسلامی آمده است. باید گفت در حقوق جزای اختصاصی متناسب با هر جرمی مجازاتی تعیین شده است. مثلاً برای مباشر اصلی و گاه معاون و.... مجازات تعیین گردیده است. در ضمن ماده ۴۳ ق.م.ا کلیات و اصول را بیان کرده و در بند ۱ ماده ۴۳ ق.م.ا بطور کلی تهدید را از مصادیق معاونت برمی‌شمارند. ولی در ماده ۶۶۹ ق.م.ا تهدید در مورد خاصی را جرم تلقی کرده است. بنابراین هیچ تعارضی بین این دو ماده وجود ندارد. به نظر می‌رسد ماده ۴۳ ق.م.ا تهدیدی را بیان می‌کند که در رابطه با جانی هست، ولی در ماده ۶۶۹ ق.م.ا تهدید را در نظر دارد که نسبت به مجنی‌علیه انجام گرفته است. در تهدید مصداق ماده ۴۳ ق.م.ا که معاونت می‌باشد، شخص تهدیدکننده غیرمستقیم در جرم نقش داشته، ولی در تهدید ماده ۶۶۹ ق.م.ا تهدیدکننده مباشر اصلی جرم است و به‌طور مستقیم در جرم تهدید نقش داشته است.

پرسش دیگری که مطرح است این است که فرض کنید تهدید صورت می‌گیرد و این تهدید از مصادیق ماده ۶۶۸ و ۶۶۹ ق.م.ا می‌باشد. همچنین این تهدید منجر به یک نتیجه مجرمانه دیگری نیز شده است که به استناد ماده ۴۳ ق.م.ا می‌توان آن را از مصادیق معاونت در جرم شناخت. حال با توجه به اطلاقی که در ماده ۶۶۸ و ۶۶۹ داریم، مجازات این عمل مجرمانه چیست؟ مثلاً شخص (الف) شخص (ب) را تهدید به قتل می‌کند و به او می‌گوید اگر فلان مال شخص (ج) را سرقت نکنی، تو را می‌کشم. شخص (ب) از ترس جان، دست به سرقت آن مال می‌زند. حال مجازات شخص تهدیدکننده یعنی شخص (الف) چیست؟ آیا مجازات این عمل مجرمانه را به‌خاطر اینکه ماده ۶۶۹ اطلاق داشته و مؤخر است، فقط مجازات مذکور در این ماده بدانیم؟ یا به‌خاطر اینکه جرم به نتیجه مجرمانه منتهی شده، طبق ماده ۴۳ ق.م.ا فقط مجازات معاونت بدانیم؟ یا اینکه این عمل مجرمانه را از مصادیق تعدد معنوی جرم بشناسیم؟ (یک عمل واحد، دو عنوان مجرمان).

۶-۱- جرم خاص تهدید

معاونت در جرم سرقت و مجازات این عمل مجازات اشد خواهد بود، یا این عمل مجرمانه را از مصادیق تعدد ملای جرم بشناسیم؟ به‌خاطر اینکه در واقع این تهدید دو نوع تهدید می‌باشد، یک تهدید به قتل و یک تهدید به قصد معاونت در جرم سرقت بوده است. در اینجا مجازات‌ها تجمیع می‌شود. پس از تحقیقات مختلف از کتب و منابع مکتوب پاسخی دستگیر نشد و چنین پرسشی باید پاسخ داده شود. بنابراین به ناچار برای رسیدن به یک پاسخ قابل قبول به اساتید برجسته حقوق مراجعه می‌کنیم. بعضی از اساتید چنین پاسخ فرموده‌اند: تهدید در ماده ۶۶۹ صرف تهدید است و لازم نیست جرم دیگری واقع شود. ولی در معاونت باید تهدید صورت گرفته و جرم دیگری نیز واقع شود. بنابراین اگر تهدیدی منجر به نتیجه مجرمانه شود، فقط مجازات معاونت را خواهد داشت. چون معاونت یک عنوان خاص است و اگر تهدید به ارتکاب جرم منتهی به جرم شخص تهدید شده، شود؛ طبق قانون، شخص تهدیدکننده معاون جرم است. هم اینکه برای معاونت حکم خاصی در ماده ۴۳ ق.م.ا آمده است، تهدیدی که منجر به نتیجه مجرمانه شود، از شمول اطلاق ماده ۶۶۹ خارج می‌شود. ماده ۶۶۹ مطلق است و ماده ۴۳ مقید است و مقید همیشه سر جای خودش باقی می‌ماند و مطلق، مقید را دربر نمی‌گیرد. تهدید اگر از مصادیق معاونت

۷- محل رسیدگی به جرم تهدید

صلاحیت رسیدگی به هر جرمی که با شکایت کیفری شاکی آغاز می‌شود، دادرسی عمومی محل وقوع جرم برای جرایم عمومی است. جرم عمومی به جرایمی گفته می‌شود که در دادرسی عمومی قابل رسیدگی است. برای تنظیم شکایت تهدید، امکان مشاوره حقوقی با وکیل متخصص امور کیفری وجود دارد تا بتوان تشخیص داد که آیا تهدید مؤثری صورت گرفته است یا خیر. دادگاه صالح در رسیدگی به جرم تهدید، دادگاه عمومی جزایی ۲ محلی است که جرم تهدید در آن وقوع یافته است. از آنجا که یکی از شکایات و پرونده‌های رایج در دادگاه‌ها مبنی بر جرم تهدید است و شمار زیادی از این جرایم توسط تلفن‌های همراه و سامانه‌های اینترنتی به وقوع می‌پیوندد، امروزه امکان تعقیب این شیوه از جرم تهدید وجود دارد. صدای ضبط شده مرتکب مبنی بر تهدید نیز می‌تواند به عنوان آماری در تقویت علم قاضی مورد استفاده قرار گیرد و اگر با دلایل دیگری همراه باشد، موجب صدور حکم در محکومیت مرتکب شود. در مورد ادله مورد نیاز برای طرح شکایت تهدید، شایان ذکر است، طرح هر نوع شکایت کیفری مستلزم ارائه مدارک شناسایی شاکی و نیز ارائه مشخصات و آدرس مشتکی‌عنه در صورت امکان است.

نتیجه‌گیری

جعل تهدید برای حمایت حد اکثری از امنیت جامعه است و در این خصوص میان فقها و حقوقدانان اختلاف نظر معتدبایی وجود ندارد. فقهای امامیه و حقوقدانان تعاریف واحدی از تهدید ارائه کرده‌اند. بر این اساس، تهدید عبارت است از: مجموعه اقدامات کتبی یا شفاهی که شخص به عمل می‌آورد تا دیگری را به خلاف میل خود وادار به ارتکاب جرم کند، به نحوی که اگر از آن امتناع ورزد، احتمال خطر جانی یا مالی یا افشای اسرار یا نسبت دادن اموری که موجب هتک شرف می‌شود، برای شخص تهدید شده، وجود دارد. مجازات جرم تهدید، اگر در قانون مجازات خاص تعیین شده باشد، همان مجازات اعمال خواهد شد. همانند تهدیداتی که به عنوان جرم مستقل در صدر مقاله ذکر شده، اما در جرایم تعزیری چنانچه مجازات خاص برای تهدید که مصداق معاونت می‌باشد، وجود نداشته باشد، طبق ماده ۷۶ قانون مجازات اسلامی، مجازات معاون یعنی تهدیدکننده حداقل مجازات مباشر، یعنی تهدیدشونده خواهد بود، و در غیر موارد مذکور، معاون طبق ماده ۴۳ قانون مجازات

اسلامی تعزیر می‌شود.

البته نکته‌ای که حائز اهمیت می‌باشد این است در صورتی که فعل تهدید شونده قانوناً جرم نباشد، فعل تهدیدکننده، قابل مجازات نیست و تحقق تهدید، مستلزم این است که عمل تهدید، قبل یا هم‌زمان با وقوع جرم بوده و متأخر آن نباشد.

ملاحظات اخلاقی: ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

تقدیر و تشکر: از تمام کسانی که بنده را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را دارم.

سهم نویسندگان: نگارش این مقاله بر اساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش توسط نویسنده صورت گرفته است.

تضاد منافع: این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- ابن ادریس حلی، ابی جعفر (۱۴۱۰ق). السرائر. چاپ نخست، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

- ابن رشد، محمد بن احمد (۱۴۳۱ق). بدایه المجتهد و نهایه المقتصد. چاپ نخست، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب.

- ابن سعید، یحیی بن محمد (۱۳۶۲). الجامع للشرایع. چاپ نخست، قم: مؤسسه سید الشهداء(ع).

- اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۱). حقوق جزای عمومی. چاپ ۶۸، جلد دوم، تهران: نشر میزان.

- الحصری، احمد (۱۴۱۳ق). السیاسة الجزائیه فی فقه العقوبات الاسلامی المقارن. چاپ نخست، بیروت: دار الجیل.

- امامی، حسن (۱۳۷۵). حقوق مدنی. چاپ شانزدهم، جلد نخست، تهران: اسلامیه.

- انصاری، شیخ مرتضی (۱۳۶۷). المکاسب. چاپ دوم، قم: انتشارات علامه.

- بهجت فومنی، محمدتقی (۱۳۸۲). بهجه الفقیه. چاپ دوم، جلد چهارم، قم: شفق.

- حبیب‌زاده، محمدجعفر (۱۳۷۰). محاربه و افساد فی الارض. تهران: مؤسسه کیهان.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر (۱۳۷۹). محاربه در حقوق کیفری ایران. چاپ نخست، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- حر عاملی، شیخ محمد بن الحسن (۱۳۹۱ق). وسائل الشیعه. چاپ چهارم، بیروت: احیاء التراث العربی.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۸). اجوبه الاستفتاءات. چاپ دوم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- حلی، فخرالمحققین بن محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۷ق). ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد. چاپ نخست، قم: اسماعیلیان.
- خراسانی، شیخ محمد کاظم (۱۴۱۲ق). کفایه الاصول. چاپ اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۵). لغت نامه دهخدا. چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد راغب (۱۴۱۶ق). مفردات الفاظ قرآن. چاپ چهارم، جلد هشت، بیروت: دار القلم.
- زحیلی، وهبه (۱۳۸۵). فقه الاسلامی و ادلته. چاپ سوم، تهران: احسان.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۶). حقوق جزای اختصاصی. جلد نخست، تهران: مجد.
- شهید اول، شمس‌الدین (۱۳۷۳). حاشیه الارشاد. چاپ اول، قم: مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیه.
- شهید اول، شمس‌الدین (۱۴۱۱ق). اللمعه دمشقیه. چاپ اول، بیروت: دار الفکر.
- شهید ثانی، زین‌الدین (۱۳۸۱). مسالک الافهام. چاپ اول، قم: مؤسسه معارف اسلامی.
- شهید ثانی، زین‌الدین (۱۳۹۸). الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه. چاپ شانزدهم، قم: دار العلم.
- صدر، محمدباقر (۱۹۸۰م). دروس فی علم الاصول. چاپ اول، بیروت: دار الکتب.
- صدوق، ابی جعفر محمد بن علی (۱۳۶۸ق). علل الشرایع. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طباطبائی، سیدعلی (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل. چاپ سوم، قم: مؤسسه آل‌البتیت(ع).
- طریحی، شیخ فخرالدین (۱۳۶۲). مجمع البحرین. چاپ دوم، تهران: المکتبه المرتضوی.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۷۵ق). الاستبصار. نجف: مطبعه النجف.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۵۰ق). تهذیب الاحکام. تهران: نشر دار الکتب الاسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). الخلاف فی الاحکام. چاپ اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۳۹۵). مختلف الشیعه فی احکام الشریعه. چاپ سوم، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ق). ارشاد الازهان. چاپ نخست، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق). قواعد الاحکام. چاپ نخست، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق). تحریر الاحکام. چاپ نخست، قم: مؤسسه امام صادق(ع).
- عوده، عبدالقادر (۱۳۶۱). التشریح الجنایی الاسلامی مقارناً بالقانون الوضعی. چاپ پنجم، جلد نخست، قم: دراسات الاسلامیه.
- فاضل مقداد، ابن عبدالله سیوری حلی (۱۳۶۱). نضد القواعد الفقهیة. چاپ نخست، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). کشف اللثام. چاپ نخست، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- فیض، علیرضا (۱۳۶۴). مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام. چاپ اول، تهران: اداره کل ارشاد.

- فیض‌کاشانی، محمد بن مرتضی (ملا محسن) (۱۴۰۱ق). مفاتیح الشرائع. چاپ دوم، جلد دوم، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۸). بایسته‌های حقوق جزای عمومی. چاپ بیست و چهارم، تهران: نشر میزان.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲). حدود و قصاص و دیات. چاپ سوم، تحقیق از: علی فاضل، قم: نشر آثار اسلامی.
- محقق (اول) حلی، جعفر بن حسن (۱۴۱۸ق). مختصر النافع. چاپ ششم، قم: مطبوعات دینی.
- محقق حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین (۱۴۰۹ق). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. چاپ دوم، بیروت: دار الفکر.
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق). تاج العروس. چاپ اول، جلد چهارم، بیروت: دار الفکر.
- مرعشی، سیدمحمدحسن (۱۳۷۰). افساد فی الارض از دیدگاه قرآن و روایات و عقل. «مجله حقوقی و قضایی دادگستری»، شماره دو.
- مرعشی، سیدمحمدحسن (۱۳۷۳). دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام. چاپ اول، جلد اول، تهران: نشر میزان.
- مقدس‌اردبیلی، احمد بن محمد (۱۳۷۹). مجمع الفائدة و البرهان. چاپ سوم، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- منصورآبادی، عباس (۱۳۷۵). بررسی جرم محاربه. دادرسی، پیش شماره دوم.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد بن حسن (۱۴۰۱ق). قواعد فقهیه. چاپ سوم، تهران: مؤسسه عروج.
- موسوی بجنوردی، سیدمیرزا حسن (۱۳۹۶). القواعد الفقهیه. چاپ چهارم، قم: دلیل ما.
- موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۷۹). تحریر الوسیله. جلد اول، قم: دار العلم.
- موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۵ق). الرسائل. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- موسوی خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق). التنقیح. تقریرات میرزا علی غروی تبریزی، چاپ دوم، قم: دار الهادی.
- موسوی گلپایگانی، سیدمحمد رضا، (۱۴۲۳ق). کتاب القضاء. سید علی حسینی میلانی، تقریرات محمد هادی مقدسی، چاپ سوم، قم: دارالقرآن الکریم.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۶). حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی). چاپ دهم، تهران: نشر میزان.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۰ق). جواهر الکلام. چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نراقی، ملا احمد (۱۴۰۸ق). عوائد الایام. چاپ دوم، قم: مکتبه بصیرتی.
- نوری، میرزا حسن (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل. چاپ نخست، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع)



Investigating the Nature and Concept of Threat and Danger to Life in Iranian Jurisprudence and Law

Abdolkarim Golgoon¹

1. Master Student of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 33-44

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0000-0000-0000

TELL: 000000000000

Email: ak.golgoon@yahoo.com

Article history:

Received: 23 Oct 2021

Revised: 25 Nov 2021

Accepted: 30 Dec 2021

Published online: 21 Mar 2022

Keywords:

Threat, Intimidation, Fear, Imami Jurisprudence, General Jurisprudence.

ABSTRACT

One of the most fruitful sources of criminological sources is "criminology and the nature of threat and danger to life". In addition, the context of behavior at this time, one of the serious articles of criminal law and its in-depth provision, inspires the legal structure of jurists from a well-deserved intellectual consolidation. The argument of protecting the security of the missions of the Islamic government, causes the Iranian legislator to incite to describe this crime, because in the laws before the revolution there is no comprehensive and obvious offer of the crime, threat and risk of life to be recognized and this the category was created after the Islamic Revolution. Although the concept of threat is a controversial concept, there is not much difference in their nature between jurists and jurists. In addition, it should be noted that this article does not confirm the founding of opinions and debates in this field, but rather provides a report on the concept of threat and danger to life and its criminology from the perspective of Iranian jurisprudence and law, in order to explore a modern solution is through the comments provided, or the suggestions that can be followed.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Golgoon, A (2022). "Investigating the Nature and Concept of Threat and Danger to Life in Iranian Jurisprudence and Law". *Journal of Contemporary Legal Thought*, 3(1): 33-44.